



۲۰۱۶/۰۹/۲۱

طارق "ارسلائی"

## اسلام سیاسی و افراطیت مذهبی (موقعیت افغانها در غرب)

در پی انفجارات روز گذشته نیویارک و نیوجرسی، طبق معمول در حالی که با دلهره چینل های تلویزیونی را جستجو می نمودم، در دل آرزو میکردم که این حادثه ربطی به مسلمانان نداشته باشد؛ خاصاً در حالی که چند ساعت قبل از آن در یکی از شهر های دیگر امریکا جوان سومالیایی اصلی در داخل "شاپنگ سنتر" دیوانه وار با کارد بالای مردمان عادی حمله ور گردیده بود. متأسفانه بعد از چند ساعت تصویر جوان افغان بحیث مظنون اصلی این حادثات بر روی صفحه تلویزیون ظاهر گردید و "سودای دل ما که یکی بود، دو تا شد".

با آنکه افغانها به صورت عموم مردمان آزاد طبع و غیر افراطی بوده اند، اما در چند ماه گذشته در چندین حادثه حمله به شهروندان کشورهای اروپائی و امریکایی، نام جوانهای احساساتی افغان منحصراً مظنونین و متهمین اصلی این واقعات ذکر گردیده است.

"اسلام سیاسی و افراطیت مذهبی"، به صورت یک پدیده عام، در افغانستان سابقه طولانی ندارد. با به قدرت رسیدن احزاب چپی در افغانستان که در سرنای دین ستیزی پف مینمودند، مردم افغانستان بالمقابل "اسلام سیاسی" را به مثابه یک "عکس العمل" و در ضدیّت در برابر اختناق کمونیست ها بکار گرفتند. چون هر عمل تکراری بالاخره عادت میگردد، عکس العمل خود جوش افغانی نیز به یک "عادت بالفعل" مبدل گردید. ولی حتی همان "اسلام سیاسی" که افغانها در ابتدا منحصراً یک "عکس العمل" بکار گرفتند نیز از "افراطیت مذهبی" بی اثر و حتی بیخبر بود. با تداوم و پیچیده تر شدن جنگ افغانستان که پای جنگجویان خارجی به معرکه کشانیده شد، در کالبد "اسلام سیاسی" افغانی روح "اسلام سیاسی جهانی" با معجون "افراطیت مذهبی" دمیده شد. به این ترتیب افغانهای صاف دل و سنتگرا، از یک "عکس العمل" خود جوش ضد حکومت کمونیستی، به یک "عادت بالفعل"، و سرانجام بدون آنکه خود متوجه گردیده باشند به افراطیت مذهبی سوق داده شدند. اسلام سیاسی (جهانی) افراطیت مذهبی را وسیله اعمال و پیشبرد اهداف سیاسی خود قرار میدهد. در اسلام سیاسی هر فرد خود را جزء لشکریان مهدی تصور نموده قیاس میکند که تمام بار دین، مسؤولیت امت، و ماموریت ترویج اسلام تنها بدوش همینها است و فلذا برای برآورده شدن این هدف با همه آنهايي که خارج از دائره دین هستند (ولو که مسلمان هم باشند) باید قتال صورت گیرد.

تقریباً در تمامی واقعات مشابهی که در کشور های غربی رخ داده است نقش پای جوانانی دیده میشود که خود عمری را در سایه امن و آسایش این کشورها بسر برده و با معلومات سطحی از اسلام اکثراً حتی گرایشات مذهبی نیز نداشته اند، اما معمولاً سرخوردگی های شخصی و اجتماعی باعث میگردند تا دفعتاً و شب در میان حادثه را در یکی از کشو های اسلامی (که در گذشته هیچگونه علایقی با آن نداشته اند) بهانه قرار داده، نفرت و انتقام خود را در لابلای افراطیت مذهبی به بیرون بریزند. جوانان کشورهای محروم و فقیر که دنیای موجود بجز از رنج و محنت ارمغانی برایشان نداشته است تلاش دارند تا با قدم گذاشتن در جاده اسلام افراطی هر چه زودتر راه خود را از "برزخ موجود" به "بهشت موعود" باز نمایند. ولی برای جوانانی که در کشور های غربی به همچو اعمال مبادرت میورزند انگیزه های سیاسی از تمایلات مذهبی شان بیشتر است و قبل از آنکه برای خود بهشت آرزو کنند، تلاش دارند تا دنیای دیگران را جهنم بگردانند.

چند سال اخیر برای افغانهای که در کشورهای غربی زندگی میکنند مملو از انواع فشار های روحی بوده است به نحوی که ابتدا هویت مذهبی شان توسط عده افراطی اختطاف گردید و اکنون نیز هویت افغانی شان توسط چند جوان احساساتی در حال ریوده شدن است.

امروز بدبختانه آتش افراطیت مذهبی نه تنها کشور و هموطنان ما را به تباهی کشانیده، بلکه دامن افغانهای را نیز گرفته است که کشور های غربی را برای خود خانه جدید قرار داده و عمری را با زحمت و پشتکار و با استفاده از فرصت های که در این کشورها برایشان فراهم گردید برای خود عزت و وقاری کسب نموده اند. افغانهای حق شناس هیچگاه فراموش نمیکنند که در آوانی که درهای همه کشورها (به شمول در خانه خودشان) به روی شان مسدود گردیده بود، همین کشور های غربی با گرمی ایشان را در آغوش خود جا دادند. ولی ما که همه حرف از مهمان نوازی و قدردانی میزنیم، تأسف آور خواهد بود اگر تصور شود که "نمک خوردیم و نمک دان شکستیم".

مبارزه با اسلام سیاسی از داخل خانه های هر مسلمان شروع میشود. تا زمانی که طرز دید تقلیدی و تکفیری اسلام در داخل ذهن، خانه، و کمیونیتی های خود ما شکست نخورد، شکست این هیولا از خارج مهال خواهد بود.

## ختم

طارق ارسلائی - ایالت ویرجینیا ، امریکا